



# تصویر دیو، غول و جن در کتاب "عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات" القزوینی

\* دکتر علیرضا طاهری

\*\*  
مریم زند حقیقی

**چکیده:** کتاب عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات القزوینی را میتوان یکی از مراجع و منابع توصیفی پدیده‌های شگفت‌انگیز و موجودات خارق‌العاده و عجیب و غریب دانست که در طی قرون مورد تاسی بسیاری از نویسندگان قرار گرفته است. دایرة المعارف‌های عربی و فارسی از موجودات عجیب و غریب نام برده در کتاب عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات قزوینی فراوان نام برده‌اند. این اثر که یک شاهکار کیهان‌شناسی است، دیدی از عالم را ارائه میدهد که مدعی است نه تنها به انسان‌ها عالم را می‌شناساند، بلکه شناختی از زمین و ساکنانش و انسانها عرضه میکند. این کتاب به سه بخش تقسیم میشود: بخش اول، آثار اخترشناسی و کیهان‌شناسی؛ بخش دوم باد، آب و هوا و جهانی به همراه ساکنانش؛ و بخش سوم علوم گیاهی، حیوانی و جمادی. در این کتاب علاوه بر پدیده‌ها و سرزمین‌های شگفت‌انگیز، گونه‌های مختلف موجودات عجیب و غریب توصیف شده‌اند. انواع موجودات تخیلی ترکیبی، دیوها، اجنه، غولان، ... آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرد شرح دقیق ساختار ظاهری و رفتاری این موجودات، به ویژه سه گونه دیو، جن و غول و انواع و اسامی آنها است. همچنین در برخی موارد ریشه‌های سنتی، روایتی و مذهبی آنها به تفصیل بیان شده است. با توجه به اینکه در خصوص این موضوع تا کنون تحقیق جامع و کاملی صورت نپذیرفته است، این پژوهش هرچند مختصر میتواند کمک شایانی به شناخت باورهای عامه نسبت به موجودات عجیب و غریب بنماید. همچنین جایگاه این کتاب در معرفی و توصیف مخلوقات عجیب و موجودات غریب در ادبیات تخیلی و افسانه‌ای و تأثیر آن بر سایر نویسندگان این گونه ادبی، را مشخص می‌کند. سؤالاتی که در پی یافتن جواب‌های آن هستیم:

- چه گونه‌هایی از دیو، جن و غول از منظر نمادین و رفتاری در این کتاب توصیف شده‌اند؟  
- به لحاظ ریخت‌شناسی ساختار و هیبت ظاهری آنها چگونه است؟

دیوها و اجنه و غولان دارای انواع و کارکردهای گوناگون هستند همانند نسناس، شق، دوالیا، سعلاء، ساختار ظاهری آنها از پیوند گونه‌های مختلف جانوری و آدمی تشکیل شده است. هیبت آنها یا به صورت آدمیان بوده یا ویژگی‌های حیوانی، یا با ظاهر حیوانی و عادات و رفتار انسانی. بنابراین می‌توان گفت که دو ترکیب اصلی را شامل می‌شوند: انسان-حیوان، حیوان-انسان. روش تحقیق بر اساس روش کتابخانه‌ای، توصیفی و مقایسه‌ای صورت پذیرفته و نسخه‌های گوناگون موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی و برخی دیگر از نسخ مورد استفاده، توصیف و مقایسه قرار گرفته شده‌اند.

**واژگان کلیدی:** عجایب المخلوقات، غرایب الموجودات، قزوینی، جن، دیو، غول

## مقدمه

در بین نسخه‌های مصور، علاوه بر قدیمی‌ترین نسخه که در مونیخ نگهداری می‌شود، سه نسخه کپی در کتابخانه فرانسه نگهداری می‌شود؛ نسخه فارسی (با الحاقات) طوسی سلمانی (قرن پنجم/ یازدهم) متعلق به احمد جلایر شاهزاده مغول بغداد و دو نسخه از یک نسخه مطابقت داده شده قزوینی که بوسیله بایزید البُستکی انجام شده است (دوره تیموری و ترکمانان). (CAIZZO, 2008, 47) نسخه‌های فارسی بسیار غنی‌تر از نسخ عربی هستند. در واقع نه تنها از قرن هشتم/ چهاردهم فصول الحاقی و مکمل به آنها اضافه می‌شوند بلکه شیوه تصویرسازی نیز تغییر پیدا می‌کند. (LEWICKI, 1978, 898-900)

## مخلوقات "عجیب" و موجودات "غریب"

اصطلاح "عجیب" به معنی پدیده یا موجودی است که به صورت طبیعی و واقعی وجود ندارد، در مقابل، تصویری که وجود ندارد یا واقعی نیست و بوسیله انسان یا سایر عوامل طبیعی نادر بوجود آمده، به اصطلاح "غریب" (غرائب) گفته میشود. همراه این صفات اغلب واژه "موجودات"، "حیوان" و "حیوانات" بکار برده می‌شود. واژگان دیگری که مورد

زکریای قزوینی دانشمند ایرانی، ولادتش به سال ۶۰۲ هجری در شهر قزوین بوده است. وی مؤلف کتاب "عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات" است، کتابی موجز با نظمی دایرة المعارفی بر پایه طبیعیات ارسطویی. اصل این کتاب به زبان عربی می‌باشد و متن فارسی آن که به فاصله کوتاهی بعد از نگارش عربی آن تهیه شده در حقیقت ترجمه متن عربی آن است، با این تفاوت که نویسنده متن عربی و مترجم آن به فارسی هر دو یک نفر هستند: زکریای قزوینی. (براتی، ۱۳۷۸، ۲۳) گویا فارسی آن را برای شمس‌الدین جوینی صاحب دیوان دوره هلاکو ترجمه نموده است. (سبوحی، ۱۳۴۰، ۸) قزوینی در تألیف این کتاب به طور عمده از آثار پیشینیان بهره برده است. از جمله منابع قزوینی در تألیف این کتاب، طب ابوعلی سینا و ابوریحان بیرونی و حیوان ابوعثمان جاحظ می‌باشد. (همدانی طوسی، ۱۳۷۵، ۸) یک ترجمه فارسی از این کتاب در تهران به سال ۱۲۶۴ طبع گردیده است. عجایب المخلوقات مجموعه‌ای از بخش‌های گوناگون در علم طبیعت، سیاست، تاریخ و ادب است. (حسینی دشتی، ۱۳۸۵، ۷۵۷)

\* نویسنده مسئول: دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان taheri121@yahoo.com  
\*\* کارشناس ارشد پژوهش هنر. maryamZand89@yahoo.com

استفاده قرار می‌گرفته‌اند: ناس، انسان، موجودات انسانی، امت، مردم. تمام این ریشه‌ها از ناس است که در واقع "انسان‌العجیب" یا "ناس‌العجایب"، ریشه‌های عجیب هستند. (CAIZZO.2008,49)

در کتاب خلاصه شگفتی‌ها<sup>۱</sup> یا "خلاصه‌العجایب" نوشته ابراهیم واسیف (قرن چهارم م.ق.)، با یادآوری آفرینش، این چنین بیان می‌شود که اگر ریشه چیزهای شگفت‌انگیز و عجیب در وجود آدم باشند، نژاد انسانی، خودش، کامل و واحد است. انسان با ظاهر و خصوصیات و سرشت و طبیعت‌اش مشخص می‌شود، بوسیله چیزهایی که مختص اوست: خنده، عکس‌العمل‌های طبیعی، هوش، زبان، استعداد، اختراع... (STRICKLAND.2003,51-52) انسان (خودش) می‌تواند در عجیب‌الخلقگی و شگفت‌انگیزی معلق باشد. موجوداتی که انسان یا شبیه انسان هستند دارای مشترکات فرهنگی خاصی هستند: امت، جامعه یا مردم؛ ولی موجودات ناقص یا ترکیبی، "حیوانات‌العجایب" و موجوداتی با خصایص حیوانی‌اند.

در شرق قرون وسطی، موجودات افسانه‌ای و عجیب‌الخلقه در داستان‌ها و افسانه‌های عامیانه و فولکلوریک همچون هزار و یک شب، سفرهای سند باد بحری و در داستان‌ها و تواریخ (مسعودی، مقدسی...) و عجایب‌المخلوقات قزوینی پدیدار می‌گردند. موجودات عجیب‌الخلقه شاهنامه یا خمسه نظامی بیش از همه از موجودات افسانه‌ای هنر ساسانی نقش بسته بر ابریق‌ها، ظروف و ریتون‌های ساسانی و هخامنشی ارث برده‌اند.

دایرة‌المعارف‌های عربی و فارسی از موجودات عجیب و غریب توصیفی در کتاب عجایب‌المخلوقات و غریب‌الموجودات قزوینی فراوان نام برده‌اند. این اثر که یک شاهکار کیهان‌شناسی است دیدی از عالم را ارائه می‌دهد که مدعی است نه تنها به انسان‌ها عالم را می‌شناساند، بلکه شناختی از زمین، ساکنانش و انسان‌ها عرضه می‌کند. این کتاب به سه بخش تقسیم می‌شود: بخش اول، آثار اخترشناسی و کیهان‌شناسی؛ بخش دوم باد، آب و هوا و جهانی به همراه ساکنانش؛ بخش سوم علوم گیاهی، حیوانی و جمادی.

عجایب و غریب بخش مهمی از ادبیات روایتی و افسانه‌ای را تشکیل می‌دهند همانند کتاب "خلاصه‌العجایب" ابراهیم واسیف شاه یا نوشته‌های ابن‌الفرقیه الهمدانی؛ البته تاریخ‌های عمومی (تاریخ مسعودی، مقدسی...) یا نویسندگان و شاعران حماسی فارسی (فردوسی، نظامی...) را نباید از قلم انداخت. جغرافیدانان بعدی، دمشقی در "کتاب‌البحار" یا دمیری متون قزوینی را بسیار بکار برده‌اند با

این حال از منابع مشترکی نیز استفاده نمودند منابعی همچون ادیسی یا الظوهری در اثر جغرافیایی‌اش. (CAIZZO.2008,49)

در منابع قزوینی بخش عظیمی از اسطوره‌های مرتبط با گونه‌های عجیب توصیف شده توسط کتزیاس<sup>۱</sup>، مگاستن، هرودت<sup>۲</sup> یا افلاطون، بازسازی شده و آنهایی که از فرهنگ اسطوره‌ای کلاسیک (اگرها<sup>۳</sup> Ogres، پریان دریایی Sirènes، آمازونها<sup>۴</sup> (قبایل زنان) Amazones) نشأت گرفته‌اند، تکمیل شده‌اند. با این وجود، این نوشته‌ها از سنن شرقی (ماهایاراتا)، داستانها و افسانه‌های شرقی، که بوسیله دریانوردان انتقال پیدا کرده بودند، غنی شده‌اند (درخت واق واق، اسطوره زن ماهی، مردمان جزایر...). تأثیر دیگر را در روایات یهودی و مسیحی می‌توان جست که تکمیل‌کننده آنها بودند (غول‌ها، یاجوج و ماجوج...).

(Ibid. 56)

در باورهای عامیانه مخلوقات عجیب نقش عمده‌ای را بازی می‌کنند و هر یک ریشه در اعتقادی دارند. برخی از آنها ریشه‌های اساطیری دارند و به ایران کهن و زمان پیشدادیان و کیانیان برمی‌گردند و برخی دیگر از طریق مذاهب مختلف چون یهود و اسلام به افسانه‌های ایرانی پیوسته‌اند و گروهی هم ساخته و پرداخته طلسم‌گران و رمالان‌اند. مطابق تعاریف و تصاویر موجود، هر یک از مخلوقات عجیب، شکل خاص خود را دارند و در افسانه‌های عامیانه به آن شکل شناخته شده‌اند برای مثال دیوان اغلب با شاخ‌دم، دندان‌های گراز مانند و بدن پشمالو و فرشتگان با بال و تاج. گاه به شکل انسان و گاه به شکل پرندگان تصویر می‌شوند. با وجود تنوع گسترده این مخلوقات، همه آنها ارتباط نزدیکی با انسان دارند. (تتاولی، ۱۳۸۷، ۹۲)

بر این اساس ظاهر و خصوصیات منتسب به مخلوقات عجیب، می‌توان آنها را به چند گروه ترکیبی تقسیم کرد: انسان-حیوان، حیوان-حیوان، حیوان-گیاه، انسان-گیاه مخلوقات ترکیبی "انسان حیوان" موجوداتی هستند که ظاهری انسانی دارند مثلاً با بدن انسان و سر یک جانور دیگر و یا بر عکس و بعضی با حالت و رفتار انسانی به نمایش درآمده‌اند. یک دسته از این موجودات که در این گروه قرار می‌گیرند موجودات ماورایی هستند که خود این موجودات یا در زیر مجموعه یک خلقت واحد قرار دارند مثل جن، (که دیوان و شیاطین جزئی از آن محسوب می‌شوند) یا اینکه ساخته و پرداخته اوهام بشر هستند که بر اساس باورهای عامیانه و خرافات به شیوه شفاهی و سینه‌به‌سینه منتقل شده‌اند همچون گونه‌های شق، سناس (که از تیره شق محسوب می‌شود)، آل، دوالپا و غیره.

دیو در نزد عامه، موجودی موهوم با هیكلی بسیار عجیب و غریب است. معمولاً این موجود را نه از تبار (جن) بلکه موجودی مستقل از اجنین دانسته اند که با قدی دراز و بلند و صدایی رعب‌آور و چشمانی درشت و آتشین و موهایی ژولیده و بلند ظاهر می‌شوند. دیو در فرهنگ معین موجودی متوهم به صورت انسانی بلند قامت، تنومند، زشت و هولناک تصویر شده که بر سر دو شاخ، مانند شاخ گاو دارد و دارای دم است. دیوان را از نسل شیطان پندارند. (معین، ۱۳۸۴، ۱۱۳۲) عامه مردم (دیو) را از همان منظری می‌بینند که به (آل) و دیگر موجودات موهوم و خرافی نگاه می‌کنند. در حالی که دیو دارای قدمت و تاریخی کهن است. (خوشدل، ۱۳۸۲، ۳۷۱)

واژه دیو که در اوستایی، دَئَوَ (daeua) و هندی باستان، دیوا (deva) خوانده می‌شود (باحقی، ۱۳۸۶، ۳۷۱)، در نزد همه اقوام هند و اروپایی، به استثنای ایرانیان معنی خدا را حفظ کرده است. اما در ایران این کلمه به گروهی از خدایان آریایی اطلاق شده است که پیش از ظهور زرتشت در ایران و هند پرستش می‌شده‌اند و با ظهور زرتشت و معرفی اهورامزدا به عنوان خیر مطلق، (دیوان) گمراه‌کنندگان و شیاطین خوانده می‌شده‌اند.

به موجب اوستا، دیوان آشکارا زنان را از مردمان می‌ربودند و بر مردم اجحاف می‌کردند که بر اثر اعجاز نماز زرتشت در زیر زمین پنهان شدند. در اساطیر زرتشتی دیوان، پریان، اژدهایان و خرفسترها از نسل اهریمن شمرده می‌شوند. در مینوی خرد آمده است که پیش از زرتشت، دیوان به شکل انسانها بر روی زمین رفت و آمد می‌کردند و چون زرتشت چهار بار دعای (اهونور) را خواند همه در زیر زمین پنهان شدند. (رستگار فسایی، ۱۳۸۳، ۲۶۵-۲۶۴)

از اوستا و شاهنامه چنین بر می‌آید که دیوان ساکنین آغازین ایران باستان بوده‌اند. پارهای از آنها به ویژه دیوان مازندران از دشمنان اصلی و عمده کوچندگان به این فلات بودند. بی شک شاهان باستانی و پیش از همه انسان نخستین (کیومرث) نیز بنا به داده‌های اوستا و شاهنامه از کوچندگان به شمار می‌آید و پری و پلنگ و ... را برای نبرد با دیوان گرد می‌آورد. (بیابانی، ۱۳۶۹، ۱۰۵-۱۰۴) کیومرث نخستین انسان است و دارای فره‌شاهی، اهریمن بر او رشک می‌برد و به همراه دیوان به جنگ با او می‌آید. (رستگار فسایی، ۱۳۸۳، ۲۱۷) در اوستا از دیوهای مازندران و دروغ پرستان دیلم و گیلان سخن رفته است. این دیوان در روایات ملی و به خصوص در شاهنامه، به مرور ایام، هیئت عجیبی یافته و به صورت‌های سهمگین تصویر شده‌اند (باحقی، ۱۳۸۶، ۳۷۱). هرچند زرتشت

سران و بزرگان آریاییان را دیو پرست می‌نامد و آیین آریاییان پیش از خود را آیین دیو می‌نامد. (بیابانی، ۱۳۶۹، ۱۰۴) فردوسی فعالیت دیوان و پریان را در آغاز تاریخ بشر براساس روایات افسانه‌آمیز دوران ساسانیان نقل می‌کند. سیامک پسر کیومرث نخستین شه‌ریار جهان، به چنگال دیو سیاه گرفتار می‌شود. (کریستن سن، ۱۳۵۵، ۹۳)

دیو در شاهنامه از دید باورهای اساطیری موجودی است زاییده اهریمن که گاهی به خود اهریمن نیز اطلاق می‌شود. دیو با خصوصیات ظاهری و توانمندی‌های خاصی که دارد، تصویری از موجودی خشن، دشمن خو، زیرک و دانا و توانمندی را ارائه می‌دهد که برای خود سرزمینی دارد و صاحب پایتخت و لشکری سازمان یافته و نظام‌مند است و علی‌رغم ظاهر طبیعی متفاوت قدرتی دارد که می‌تواند خوبستن را به شکل انسان یا حیوان و جماد و یا هر صورتی که بخواهد در آورد. مانند دیوی که به شکل خنیاگر شیرین زبان به درگاه کاووس می‌رود و او را فریب می‌دهد و یا دیو سپید که پهلوان نیرومندی چون رستم را تا آستانه مرگ به پیش می‌برد و اکوان دیو که به صورت گورخری زرین درآمده است. (رستگار فسایی، ۱۳۸۳، ۲۸-۲۷)

### جن

بدون تردید اختلاف قابل ملاحظه‌ای بین اجنه و دیوان وجود دارد. (جن) با تلفظ "jenn" و "jen" اسم و واژه‌های عربی است. در اغلب فرهنگ‌های لغت موجودی نامرئی است که از چشم مردم پوشیده و مستور می‌باشد. جان و اجنین جمع آن می‌باشند. عوام برای جمع بستن واژه (جن) از کلمه (اجنه) استفاده می‌کنند. که به غلط چنین متداول شده است. (خوشدل، ۱۳۸۲، ۳۹)

طبق احادیث و اخبار مسلمانان، خداوند موجودات هوشمند را به سه دسته آفرید: فرشته را از نور، جن را از آتش و انسان را از خاک خلق کرد. جن هزاران سال پیش از خلقت آدم از آتشی سیاه و بدون دود خلق شد. (بورخس، ۱۳۸۹، ۸۸) در مورد خلقت جن به عنوان موجودی حقیقی که خلقت آن پیش از خلقت آدم بوده به وضوح در قرآن اشاره می‌شود. در آیه ۲۷ و ۲۶ سوره حجر خداوند می‌فرماید:

"ما انسان را از گل خشکیده ای، از گل بدبوی (تیره رنگی) آفریدیم و جن را پیش از آن، از آتش گرم و سوزان و بدون دود خلق کردیم" و در آیه ۱۵ سوره الرحمان متذکر می‌شود که "جن را از شعله‌های مختلط و متحرک آتش خلق کرد."

مشرعه جن را وجودی غیر آدمی می‌دانند و معتقدند جن از مارچ و مارچه پدید آمده است. (باحقی، ۱۳۸۶، ۲۹۷) مارچ

ریشه غول‌ها، در سنت مسلمانان همانند مردمان آد" (Ad) است، که در سرزمین یمن زندگی می‌کنند و دارای طول عمر طولانی استثنایی هستند، تا روزی که خداوند آنها را ازین ببرد. خداوند برای مجازات آنها رئیس شان «شداد» را، که می‌خواست همسان خدا شود، از بین برد. (TABARI, 1984, 56-57) «عوج ابن عنق» افسر شاه شداد، آخرین بازمانده نژاد غولها بوسیله یهودی‌ها کشته شد. بر اساس برخی اعتقادات، عوج موجودی بود که از «عَنَاق»، دختر حوا و یک دیو زاده شده بود. بعد از امتناع حضرت نوح(ع) از سوار نمودن وی بر کشتی، سعی نمود تا با واژگون نمودن کشتی از آنها انتقام بگیرد و سپس با پرتاب صخرهای از ارتفاع ۴۶ متری به حضرت موسی(ع) حمله کند. به اعتقاد الطبری، وی میخواست یک صخره را بر روی حضرت موسی(ع) پرتاب کند ولی خداوند مورچه‌هایی را فرستاد تا با ایجاد سوراخ باعث شوند که صخره روی گردن خودش بیفتد، در هر صورت حضرت موسی(ع) را کشنده وی می‌دانند. بلعمی نسخه دیگری را ارائه می‌کند بر این اساس که صخرهای از بالا روی عوج افتاد؛ بر طبق نظر «تعلیمی» و «کیسای»، خداوند صخره را بوسیله پرنندگان سوراخ نمود؛ این نسخه ای است که بوسیله قزوینی بکار برده شده است (GUTMAN, 1981, 111-112).

برخی دیگر از غولان نیز بوسیله سیاحان مسلمان دیده شده‌اند. همچون غول بلغاری ولگا، دانگا (دنقا) با قامتی به طول ۲۴ متر، که از نسل آدیت‌ها بودند یا غول "ماسول" نوجوانی ۱۵ ساله. غول بابل در نسخه فارسی (عجایب المخلوقات) و در چندین نسخه شاهنامه "گوش پهن" نامیده شده است، موجودی که می‌تواند از گوشه‌هایش همانند بالش استفاده کند. گفته شده است که غول‌هایی در شهر آبی (ساخته شده توسط شاه افراسیاب) زندگی میکنند که از ماهی‌ها تغذیه می‌کنند (تصویر ۱). غول‌هایی از نژاد "یا جوج و ماجوج" نیز هستند که از دریا رانده و به درختی بسته شده به گونه‌ای که در معرض دید رهگذران قرار گرفته‌اند (تصویر ۲).

منابعی که قزوینی یا طوسی سلمانی به آنها ارجاع می‌کنند نوشته‌های شناخته شده سیاحان هستند مانند ابن خردادبه در قرن دوم/هشتم، ابراهیم ابن یعقوب یا سلیمان تاجر و ابوزید السیرافی قرن سوم/نهم (REINARD, 1845, 213). ناخدا بزرگ در "کتاب عجائب الهند" در قرن چهارم/دهم (254)، (Les Merveilles de l'Inde, 1954) و سیاح ابوحمید القرطابی در کتاب "تحفة جانها" (مرتبط با عجایب واقعی)، قرن پنجم ششم /یازدهم- دوازدهم، که اعتبار آن مشابه کتزیاس یا حتی مگاستن در قرون پیشین است. (CAIZZO, 2008, 58)

به معنای زبانه آتش و مختلط آتش و هوا است که بنا به برخی روایات پدر جن معرفی شده است. (با توجه به آیه ۱۵ سوره الرحمان) حضرت امیرعلیه السلام اسم پدر جن را شومان ذکر کرده و فرمودند او کسی است که از (مارج من نار) آفریده شده است. (همان، ۷۳۹-۷۳۸) اینان به سبب طبیعت شعله وش خود از انتظار آدمیان پنهان‌اند اما می‌توانند با غلظت دادن به وجود خویش به هر صورت که بخواهند مرئی شوند. (همان، ۲۷۹) مثلاً به صورت انسان، شغال، گرگ، شیر، عقرب یا مار. بعضی از جن‌ها مؤمن و برخی کافر و زیانکار هستند. (که به ماردین معروفند)

ادوارد ویلیام لین، مستشرق انگلیسی، می‌نویسد اگر جن به صورت انسان ظاهر شود معمولاً دارای جثه‌ای عظیم و بسیار طویل است و اگر مؤمن باشد معمولاً به غایت زیبا و اگر از جمله زیانکاران بسیار زشت می‌باشد. (بورخس، ۱۳۸۹، ۸۸) جاحظ در کتاب الحیوان از جنیان هاتف، مارد، غول و سعاله نام می‌برد و عقاید عرب را در مورد ایشان بیان می‌کند. (شمیسا، ۱۳۸۶، ۳۲۲) در فرهنگ لاروس آمده که جن موجودی خرافی از فرهنگ عربی، روحی در زیر مجموعه سطح فرشتگان و شیاطین؛ موجود جاندار که در اشکال زنده متجلی می‌گردد. در اسلام و سراسر دنیا اعتقاد به آن وجود دارد. در فرهنگ اسلامی معتقدند که جن هم مثل بشر در بازگاه الهی روز قیامت مورد قضاوت قرار می‌گیرد. (جنز، ۱۳۸۱، ۱۰۸-۱۰۷)

#### ♦ دیو و غول در عجایب المخلوقات

همانطور که گفته شد تفاوت‌هایی بین اجنه و دیوان وجود دارد. با توجه به اینکه در بین جنیان هم، مانند انس مؤمن و کافر وجود دارد پس جن به طور مطلق نمی‌تواند موجودی زیانکار باشد، برخلاف دیو که گفته شد اگر جنیان جزء دسته طغیانگران (ماردین) قرار گیرند در هیئتی زشت (دیو مانند) ظاهر می‌شوند، دیوان موجوداتی زیانکار هستند که از تیره جنیان‌اند. دیوان در نوع اقسام و اشکال متفاوت اند مانند: (سعاله، عیزار، دلهاث، شق، نسناس و غیره ...).

دیوی که غول نام دارد نیز در اعداد اجنه جای دارد که در صحرا روزگار می‌گذراند. وی به صورتهای گوناگون ظاهر می‌شود و مسافران را گمراه می‌کند. (رستگار فسایی، ۲۰۸، ۱۳۸۳-۲۰۷) غول در عبری به معنای مو دار است و گاهی آن را به بز ترجمه کرده‌اند. در ترجمه یونانی کتاب مقدس غول به دیوان ترجمه شده و مراد ارواح پلید است. به گمان عوام غول موجودی خیالی است که نیمه بالای تن او به شکل انسان و نیمه پایین او به شکل اسب یا بز تصویر شده و با باکوس خدای شراب که در جنگل‌ها و بیشه‌هاست، دوستی دارد. (باحقی، ۱۳۸۶، ۶۰۶)

قزوینی در عجایب‌المخلوقات در ذکر شیاطین مشهورترین ایشان را غول آورده و می‌نویسد:

کسی که سفر کند و شبها در بیابان‌ها باشد متعرض او می‌شود و خواهد که او را هلاک کند. و گویند که چون شیاطین استراق سمع کنند، باریتعالی ایشان را دفع به شهاب کند. بعضی بسوزند و بعضی به دریا افتند و نهنگ شوند و بعضی به بیابان‌ها غول شوند.

جاحظ گوید که "غول دیوی است که متعرض مردم مسافر شود و هر وقتی به صورتی نماید و کسانی که غول را دیده‌اند این گونه توصیف کرده‌اند: از سر تا ناف بر شکل انسان و از ناف تا آخر به شکل اسب و سم‌های او چون سم خر.

در عجایب‌المخلوقات در توصیف هیئت این غول روایتی آمده به این شرح که "بعضی از صحابه رسول گفتند که غول را دیدیم در سفر شام و در اخبار وارد است که او دیوی است بر شکل زنان در بیشه‌ها از آن بسیار باشد و اگر بر کسی ظفر باید بدو بازی کند چنانکه گربه با موش و اگر کسی را ببیند که صورت خوب دارد بر وی مفتون شود."



تصویر ۳: سمت راست، نقش غول با هیئت "انسان- گاو" شاخ‌ها و سم گاو، نسخه عجایب‌المخلوقات، چاپ سنکی، شماره ۳۵۹۲، کتابخانه آستان قدس رضوی.



تصویر ۴: شمایل غول با دم و سمهایی شبیه چهارپایان و هیئت انسان، عجایب‌المخلوقات، نسخه خطی، شماره ۲۸۰۲۶، کتابخانه آستان قدس رضوی.



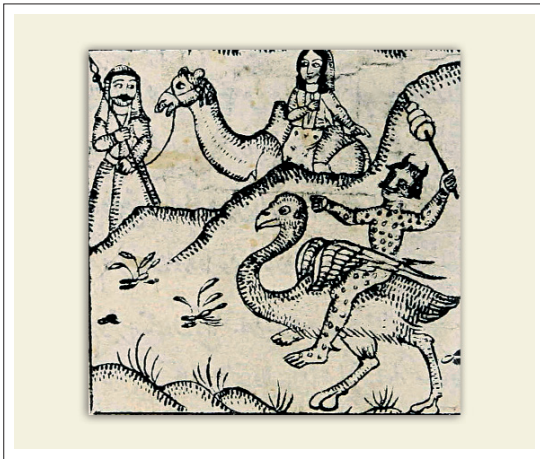
تصویر ۱: سمت راست، غول مرده یاجوج و ماجوج که برای دیدن رهگذران به درخت بسته شده است، گیهان‌شناسی طوسی سلمانی، نسخه مکمل فارسی، کتابخانه ملی فرانسه، پاریس.



تصویر ۲: غول گوش پهن (که در شهر آبی زندگی می‌کند) در مقابل اسکندر نشسته در قایق، گیهان‌شناسی طوسی سلمانی، نسخه مکمل فارسی، کتابخانه ملی فرانسه، پاریس.

گویند غول خود را به همه صورت‌ها بنماید، مگر پای وی که پایش به پای خر ماند. (همدانی، ۱۳۷۵: ۲۲۴) غول ماده را سعلاة یا ساحرة الجن می‌نامند (تصویر ۵) که تالی غول است و معادل نر یا مذکر آن قطرب آمده و معروف است سعلاة‌ها و اجنه مادینه گاهی با آدمیان پیمان زناشویی می‌بندند. (کریستن سن، ۱۳۵۵: ۱۰۹) غول ماده صورتی نیکو دارد و نر زشت بود. ماده گمراه کند و بفریبد و روی نماید و نر هلاک کند. (همدانی، ۱۳۷۵: ۲۲۴) همچنین گفته شده است که در میان عرب این غولان با ازدواج با انسان‌ها قبیله‌ای از عرب را بوجود آورده‌اند (رستگار فسایی، ۱۳۸۳: ۲۰۹). گویند غول از یک زخم بمیرد. اگر زخمی دیگر بر وی زنند، نمیرد و زنده گردد. و اگر هزار زخم بر وی زنند نمیرد. و غول نه پری تمام است، نه بهیمنی تمام. چندان که بوزینه نه آدمی تمام است، نه سبعی تمام. و اغلب در بیابانها باشد. (همدانی، ۱۳۷۵: ۲۲۵)

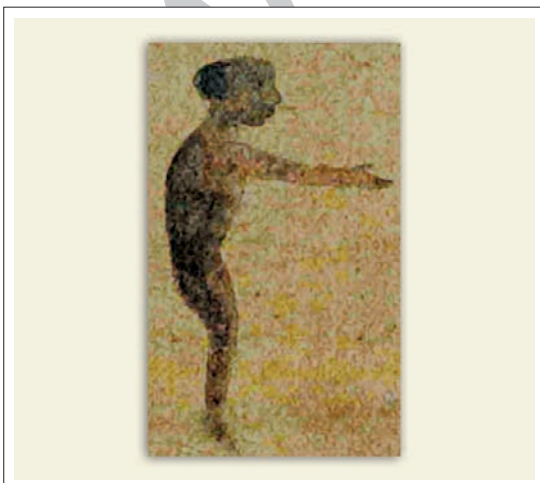
که شخصی به نام علقمه ابن صفوان به مکه میرفت و با وی مَرعَهای بود. و چون به حایطِ حَرَمَان رسید، شق را بدید، با وی شمشیری. و هر دو زخم بر یکدیگر زدند. علقمه را مرده یافتند. (همدانی، ۱۳۷۵، ۲۰۷) در عجایب المخلوقات قزوینی هم به این داستان اشاره شده است (تصویر ۸).



تصویر ۷: سمت راست، دیو الغدار سوار بر شتر، عجایب المخلوقات، چاپ سنگی، شماره ۳۵۹۲، کتابخانه آستان قدس رضوی.



تصویر ۸: نبرد علقمه ابن صفوان با شق، عجایب المخلوقات، چاپ سنگی، شماره ۳۵۹۲، کتابخانه آستان قدس رضوی.



تصویر ۹: روبرو، شمایل دیو شبق/شق، عجایب المخلوقات، نسخه خطی شماره ۲۸۰۲۶، کتابخانه آستان قدس رضوی.



تصویر ۵: سمت راست، شمایل سعاله غول ماده، عجایب المخلوقات، چاپ سنگی، شماره ۳۵۹۲، کتابخانه آستان قدس رضوی.



تصویر ۶: نقش غول با هیبت آدمی، عجایب المخلوقات، نسخه خطی، شماره ۳۵۲۱۲، کتابخانه آستان قدس رضوی.

از دیگر دیوانی که در بیابانها و صحراها روزگار می‌گذرانند و قزوینی در عجایب المخلوقات به ذکر نام و توصیف آنها پرداخته به اینها می‌توانیم اشاره کنیم: "الزلاب" دیوی است که به زمین یمن باشد و گاه در اطراف مصر و مردم را هلاک کند. "الغدار"، دیوی است که در جزایر بحار باشد و او بر صورت آدمی بود که بر شتر مرغ سوار بود و اگر کسی را بیند هلاک کند و گویند، قومی در سفر با او محاربه کردند، بانگی بکرد و ایشان را بگرفت و هلاک کرد. (تصویر ۷)

گونه دیگری از دیو که در عجایب المخلوقات از آن سخن رفته، شق است که "دیوی است صورت او چون یک نیمه آدمی و گویند که نسناس از این دیو و مردم به وجود آمده است و در سفرها قصد مردم کند" (تصویر ۹). در عجایب نامه آمده شق رو می‌نماید و بانگ می‌زند. حکایت کرده اند



تصویر ۱۰: غولان، سغلاة، ملقمة و شق، عجایب المخلوقات، نسخه عربی، کتابخانه ملی آمریکا.

دوال در لغت به معنای تسمه چرمی که با آن طبل و کوس نوازند، تازیانه چرمین و به معنای حیل و مکر است و دوالپا هم به معنای کسی که دارای پاهای باریک و دراز مانند دوال باشد؛ مرد باریک ساق و شل. مردمی هستند که در بیابانها و جنگلها زیست کنند و دارای پاهای دراز و باریک مانند دوال و تسمه چرمین، اند و خود را شل وانمود کنند و مسافران را وادار سازند که ایشان را بر پشت خود حمل کنند. بدین صورت پاهای خود را به دور گردن آن بیچارگان می‌پیچند و اگر موافق میل شان حرکت نکنند آنان را خفه می‌سازند، به غول بیابانی هم مشهورند. (معین، ۱۳۸۴، ۱۱۱۳)

در عجایب نامه آمده: "طایفه ای هستند که روی ایشان به روی آدمی ماند و دسته ای سگان دارند و شکم آدمی و دنبالی دراز، چون ماری. نیمه بالا به آدمی ماند، نیمه زیرین به مار ماند. بجهد و دنبال به میان مرد پیچد و بیفشارد و حلق وی بگیرد (تصویر ۱۱). (همدانی، ۱۳۷۵، ۲۲۳) همچنین آمده که دوالپا در هیأت مرد سالخورده ای است که به کنار راه می‌نشیند و از رهگذران می‌خواهد که او را بر دوش گیرند آنگاه پاهایش به درازی سه گز و همانند مار از شکمش سر بیرون می‌کشد و گرد کمر رهگذر می‌پیچد

نسناس یا دیو مردم، نژادی دیگر از دیو است" و ایشان جنسی از خلق باشند و بر یک پا می‌جهند و به زبان عربی حرف می‌زنند" (حلف تیریزی، ۱۳۷۶، ۲۱۴۰)

در عجایب نامه آمده که نسناس جنسی‌اند از دیو و بر تن ایشان موی باشد بسیار و دندان گیرند. این گروه را (دیو مردم) گویند. (همدانی، ۱۳۷۵، ۲۲۱) در سیر النبی و قصص الانبیا آمده که نسناس نوعی حیوان است بر هیأت آدمی، ایشان را مألوف خوانند، شکلی زیبا دارند اما ناطق نیستند. مردم ایشان را گیرند و از ایشان فرزند آورند اما همه لال باشند.

در مجمع التواریخ مذکور است که خدای تعالی ذریت جدیس بن ارم بن سام را مسخ گردانید و ایشان را نسناس خوانند. ونیم تن دارند و به یک پای چنان دوند که اسب درنیابدشان. سخن گویند بسیار فصیح ولیکن عقل ندارند. (شمیسا، ۱۳۸۶، ۱۱۷۳) در قصه های عامیانه به (نیم سوار) و در بندهش به (نیم آدم) معروف است. (یا حقی، ۱۳۸۶، ۸۱۸)

تأثیر مخلوقات عجیب توصیف شده در آثار یونانی نیز در تصویر نسناس مشخص است. سیکلوپ‌ها، یعنی کوکلوپوس یونانی، در افسانه‌ها اطلاق بر نوعی غولهای افسانه‌ای می‌شود که یک چشم بیش نداشته‌اند و در جزیره‌ای که آن را با صیقلیه (سیسیل) تطبیق می‌کنند سکونت داشتند.

آنچه در بعضی کتب حیوان و لغت فارسی و عربی راجع به نسناس آمده است تا اندازه‌ای با سیکلوپ منطبق است. خاصه این که نسناس هم یک چشم بیش ندارد. (شمیسا، ۱۳۸۶، ۱۱۷۳)

لین، در جلد اول کتاب (سرگرمی های شب های عرب) می‌گوید:

برخی معتقدند که نسناس از نسل "shikk" (که آن عفریتی بوده که هر یک از اجزای بدنش فرد بوده) و انسان است. به نظر لین نسناس (که آن را نسناس می‌ویسد): به شکل نصف آدم است که نصف سرویدن، یک دست و یک پا دارد، که با این پا تند جست و خیز می‌کند (تصویر ۱۰). (بورخس، ۱۳۸۰، ۱۹۰)

در عجایب نامه، شق و دوالپا از گونه‌های نسناس هستند. نسناس وباری قومی‌اند در زمین وبار ومهره. و وبار جایی بود پر از درختها و آنهاار. آفریدگار بر ایشان خشم گرفت، ایشان را مسخ کرد. بعضی را (شق) گویند و بعضی را (دوالپا). و ممکن باشد نسناس از نسل آدمیاند یا از نسل دیو ترکیب دارند. و عرب آن را (شق) و عجم (نسناس) می‌گویند. (همدانی، ۱۳۷۵، ۲۲۳)



برخواست، و انگشتی که جبرئیل آورده بود در انگشت کرد. جن و شیاطین همه در خدمت او بایستادند. (قزوینی، ۳۵۹۲) قزوینی می‌گوید سلیمان ماردها را به زنجیر کشید و آنان را به گروه‌های گوناگون تقسیم کرد تا به استخراج آهن و برنز و سنگ، قطع اشجار و ساختن دژها پردازند (تصویر ۱۳). به همسران آنها [ماردها] فرمان داد تا ابریشم خام و پنبه بریسند و با آنها قالی ببافند. همچنین به گروهی از ماردها فرمان داد تا در ساختن تالارها، مجسمه‌ها، کاسه‌های بزرگ به پهنای حوض مسین دیگهای سخت به ریسمان کشیده و گروهی را فرمان داد به استخراج جواهر از دریا، وچاه و قنات حفر کنند و از زمین گنجینه‌ها و مواد معدنی استخراج کنند. (کریستن سن، ۱۳۵۵، ۱۱۳)



تصویر ۱۳: دیوان به بند کشیده به دستور سلیمان، عجایب المخلوقات قزوینی، چاپ سنگی، شماره ۳۵۹۲، کتابخانه آستان قدس رضوی.

خداوند برای سلیمان (ع) لشکری از جن وانس و پزندگان گرد آورد و همه مطیع و فرمانبردار او بودند. به این مورد در آیه ۱۷ سوره نمل اشاره شده است و بار دیگر در آیه ۱۱ و ۱۲ سوره سبا خداوند می‌فرماید برای سلیمان باد را مسخر ساختیم و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند و هر کدام از آنها که از فرمان سر پیچی می‌کرد، او را عذاب آتش سوزان می‌چشاندیم. جنیان هرچه سلیمان میخواست برایش درست می‌کردند.

در تصویری از عجایب المخلوقات حضرت سلیمان (ع) بر تختی نشسته که دیوی آن را بلند کرده و دو پایه عقبی را دیوانی در هیأت انسان حمل می‌کنند (تصویر ۱۴). دو پایه جلویی بر روی سر شیرانی است که به صورت پشت به پشت قرار گرفته‌اند. اطراف سلیمان را دیوان و پزندگان احاطه کرده‌اند. بالای سرایشان پرنده ای است بزرگ، با بال‌هایی پهن و گشوده، دم پرنده بلند و پرهای آن آویزان همچون پر سیمرغ و با چنگال‌هایی نیرومند همچون پزندگان شکاری. جبرئیل (ع) در حال دادن انگشت به سلیمان است.

و رهگذر باید کمر به خدمت وی ببندد. و تنها با مست کردن او می‌تواند از بند بگریزد. دوالپا همان پیرمرد دریا است که در پنجمین سفر سندباد بحری سر راه سندباد قرار می‌گیرد. (کریستن سن، ۱۳۵۵، ۱۲۸). روایت این موجود هم در هزارو یک شب و هم در سلیم جواهری و حمزه نامه به طور مشابه آمده است. (تصویر ۱۲) از این موجود برای نخستین بار در داستان وامق و عذرا و عجایب المخلوقات، سخن به میان آمده و از آنجا به سایر کتب راه یافته است. (یاحق، ۱۳۸۶، ۳۶۳)



تصویر ۱۱: سمت راست، دوالپای با پای مارگونه، کیهان شناسی طوسی سلمانی، نسخه مکمل فارسی، کتابخانه ملی فرانسه، پاریس.



تصویر ۱۲: نقش دوالپای در سلیم جواهری، نسخه چاپ سنگی.

در عجایب المخلوقات قزوینی آمده که "چنین گویند که در آن زمان که باری تعالی جن را مسخر سلیمان (ع) نمود و همه اجنه و شیاطین به اذن خداوند از کوهها و غارها بیرون آمدند و ملائکه ایشان را همچون گوسفند می‌راندند تا که به سلیمان رسیدند. سلیمان به ایشان نگه میکرد و از صورت و اشکال آنها تعجب کرد، بعضی لون سرخ و بعضی زرد و بعضی سیاه و ابلق بر صورت اسب و استر و اشتر و خر و شیر و پلنگ و بعضی را چون پیل خرطوم بود. سلیمان (ع) باری تعالی را سجده کرد. جبرئیل آمد و فرمود که از مقام خود برخیز، سلیمان

صورت ترکیبات حیوانی هستند گاه از ترکیب یک و یا دو حیوان تشکیل شده اند. با صورتهایی چون فیل، پلنگ، شیر، شتر و گریگ به صورت ایستاده و دم‌دار (تصاویر ۱۵-۱۶-۱۷).

از میان اینها ترکیب قیل پرنده گونه بسیار جالبی از تصویر موجود عجیب را نشان می‌دهد، فیلی با پاهای عقبی پرنده (تصویر ۱۸).



تصویر ۱۵: اجنه و دیوانی که در خدمت حضرت سلیمان بودند، عجایب المخلوقات، نسخه خطی، شماره ۳۵۲۱، کتابخانه آستان قدس رضوی.



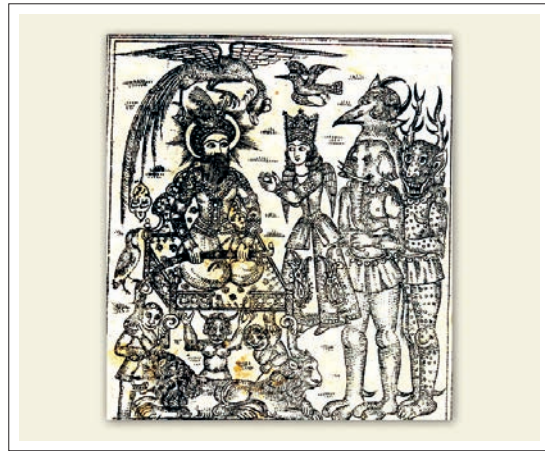
تصویر ۱۶: اجنه و دیوان در خدمت حضرت سلیمان، عجایب المخلوقات، نسخه خطی کتابخانه ملی آمریکا.



تصویر ۱۷: سمت راست، اجنه و دیوان در هیئت انسان-حیوان و حیوان-حیوان در خدمت سلیمان، نسخه خطی عجایب المخلوقات، احتمالاً بغداد یا ترکیه، قرن نهم ه.ق.



تصویر ۱۸: اجنه و دیوان در خدمت سلیمان، نسخه خطی عجایب المخلوقات، شماره ۲۸۰۲۶، کتابخانه آستان قدس رضوی.



تصویر ۱۴: جبرئیل به سلیمان انگشتری می‌دهد، عجایب المخلوقات قزوینی، چاپ سنگی، شماره ۳۵۹۲، مجموعه کتابخانه آستان قدس رضوی.

با توجه به اینکه این تصویر نمونه چاپ سنگی است، و می‌دانیم که ورود صنعت چاپ در ایران مقارن با دوران قاجار است و ایرانیان به استفاده از چاپ سنگی برای تألیف کتب خود رغبت بیشتری نشان می‌دادند. پس به طور قطعی نمونه اولیه این تصویر مربوط به چاپ سنگی در سال (۱۲۶۴ ه. ش) در دوره قاجار است. (فدوی، ۱۳۸۶، ۱۱۹-۱۱۸)

#### ریخت‌شناسی اجنه و دیوان

در عجایب المخلوقات با هیئت‌های گوناگونی از اجنه و دیوان مواجه هستیم که بیشتر به صورت حیوانات ترکیبی هستند. مثلاً جن‌هایی به شکل اسب بالدار (تصویر ۱۹) و گریگ و دیوانی در هیأت قاطران، شیران و حیوانات آراسته به خرطوم، دم، چنگال، و شاخ متجلی شده‌اند. گاهی ترکیباتی انسانی که دارای شاخ، گوش حیوانی و یا پاهای سم دار دیده می‌شوند و یا با همین صفات بر حیوان و یا پرنده ای سوارند (تصویر ۷) و یا با مرکب خود ترکیب شده اند نام این دیو در عجایب المخلوقات (چاپ سنگی شماره ۳۵۹۲) الغدار است. گونه دیگر دیو که در نسخه خطی عجایب المخلوقات (متعلق به مجموعه کتابخانه آستان قدس رضوی شماره ۲۸۰۲۶) به چشم می‌خورد، دیوی است مشهور به دل‌بخت و در بعضی نسخ دل‌بخت نامیده شده و آن دیوی است به صورت انسانی که بر شتر مرغی نشسته و گوشت حیواناتی را که غرق شده و بحر ایشان را به کناری زده می‌خورد. نقش دیو شتر مرغ سوار در اینجا به شکل جدیدی پدیدار می‌گردد، این دیو در واقع از لحاظ ترکیب بدنی به صورت انسانی شاخدار است که دیگر بر شتر مرغ سوار نشده بلکه با این حیوان ترکیب شده است، "انسان- پرنده" یا "هاری" (تصویر ۲۱).

در مواردی اجنه به صورت انسانی ظاهر می‌شوند، به هیبت انسانی لاغر اندام با چشمانی درشت و گرد و یا اشکی و پاهای سحرار و یا با کلاه‌های بوقی دراز (تصویر ۲۲). دیوانی که به

در عجایب المخلوقات قزوینی، (چاپ سنگی شماره ۳۵۹۲) آمده که چون سلیمان بار دوم زمام مملکت بدست گرفت. باریتعالی باد را فرمان داد تا شیاطین را در محضر سلیمان (ع) جمع کرد. سلیمان آنها را مشاهده می‌کرد و از اعمال ایشان و از نامشان می‌پرسید و ایشان جواب می‌دادند و اسامی و اشکال ایشان بدین شرح است که می‌آید:

۱- دیوی بیامد که نیمه بدن او سگ و نیمه دیگر گرگ و نامش مهرین فنان و عملش غنا و شرب خمر باشد و سرود و خمر را در چشم مردمان بیاراید. در نسخه خطی دیگر (شماره ۲۶، ۲۸۰، کتابخانه آستان قدس رضوی) یک نیمه این دیو را به گربه مانند کرده و نامش را مهرین فغان بن فیلان آورده است. البته در عجایب نامه همدانی آمده نام این دیو مهرین ابن هفّاف باشد و تنش مانند سگ و خرطومی دراز دارد و نیمه دیگر تنش همچون آدمی.

۲- دیوی دیگر بر شکلی بغایت قبیح و رنگ او چون دود و از سرش آتش برخیزد و آوازش چون آواز سگ (در نسخه شماره ۲۶، ۲۸۰ لون او چون دخان و دهانش چون سگ) و از هر موی او براعضای او خون میچکد و نامش جلیبان محول و کارش خون ریختن است.

۳- دیوی دیگر به نزد سلیمان بیامد بدشکل و ناخن‌های او چون ناخن‌های باز بود و در دست بریطی داشت و نامش مره بن خزف بود و اولین کسی است که وضع بریط کرد و هیچکس لذت مناهی در نیابد الا او. سلیمان دستور داد تا بندش کردند (تصویر شماره ۲۳). البته به خاطر قدیمی و کهنه بودن نسخ، در خواندن متون با مشکل مواجه‌ایم و نام صحیح این دیو معلوم نیست. اما در (نسخه خطی به شماره ۲۶، ۲۸۰) آمده که این دیو بر دست بریطی دارد و نامش مرت بن الحارث است. که احتمالاً این نام درست باشد چون در عجایب نامه همدانی هم به این نام اشاره شده است (تصویر ۲۴). نمونه‌هایی از این دیو در تصاویر ۲۵ و ۲۶ با ریختن‌های متفاوت دیده می‌شوند.

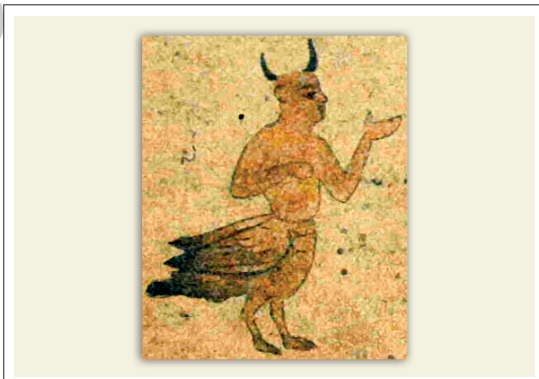
۴- دیوی دیگر بیامد و روی او از قفا بود. انسانی که گردن ندارد و سرش به پشت بر روی سپینه قرار دارد. (تصویر ۲۷)



تصویر ۱۹: اسب بالدار، عجایب المخلوقات، چاپ سنگی، شماره ۳۵۹۲، کتابخانه آستان قدس رضوی.



تصویر ۲۰: گرگ گرز به دست در حالیکه با حالت آدمیان بر روی دوپا ایستاده، عجایب المخلوقات، چاپ سنگی، شماره ۳۵۹۲، کتابخانه آستان قدس رضوی.



تصویر ۲۱: دلپا یا دلپا، نسخه خطی عجایب المخلوقات، شماره ۲۶، ۲۸۰، کتابخانه آستان قدس رضوی



تصویر ۲۲: مره بن الحارث در حال نواختن بریط، عجایب المخلوقات، چاپ سنگی شماره ۳۵۹۲، کتابخانه آستان قدس رضوی.



تصویر ۲۳: اجنه با ظاهر آدمیان، عجایب المخلوقات، چاپ سنگی، شماره ۳۵۹۲، کتابخانه آستان قدس رضوی.



تصویر ۲۸: دیو با هیبتی غریب و ترکیبی، عجایب المخلوقات قزوینی، چاپ سنگی شماره ۲۵۹۲، کتابخانه آستان قدس رضوی.

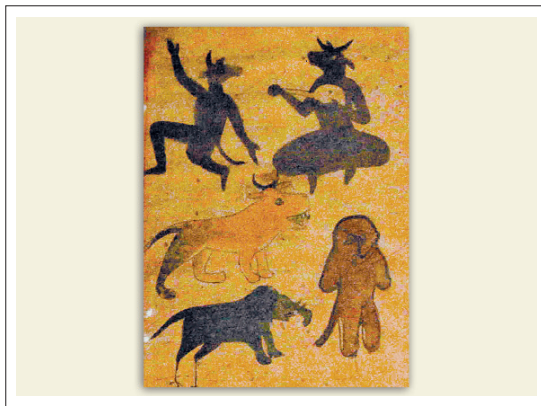
۵- دیوی دیگر بر چهارپا و او را دو سر بود سری بر کتف و سری نزدیک دنبال، سر او سر شتر و تن فیل. دیگری با ترکیبی از دو سر ببر که یکی رو به جلو و یکی رو به عقب، با تن فیل نقش شده است (تصویر ۲۷).

۶- دیو دیگر هم ترکیبی از چند حیوان است. با سر شتر و تن مرغ و پای او چون شیر (تصویر ۲۸). در این تصویر جانوری با ترکیب سه گانه سری همانند شتر و بال و دم پرنده و پاها و بدن جانوران چهارپا رسم شده که کاملاً با متن مطابقت دارد.

#### نتیجه‌گیری

موجودات عجیب و غریب در کتاب "عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات" دارای خصوصیات ویژه‌ای هستند که سبب تمییز دادن هر یک نسبت به سایرین می‌شود. در میان گونه‌های مختلف ارائه شده در این کتاب، دیو، جن و غول از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. یکی از مهمترین دلایل آن را می‌توان باورهای مذهبی، اعتقادی و فرهنگی دانست. آمیختگی روایات مذهبی، داستان‌های قرآنی و قصص الانبیا با فرهنگ اسطوره‌ای و ادبیات شفاهی و نوشتاری، در مقبولیت آنها در نزد عامه بسیار مؤثر بوده است. این موجودات را می‌توان از لحاظ ظاهر و ریخت با تنوع‌های گوناگون ترکیبی مشاهده نمود. هر عضو ترکیبی نماد یک یا چند ویژگی است برای مثال شاخ نشانی از سبعیت و ددمنشی است، سم، دندان‌های غیرطبیعی تیز، گوش‌های تیز و کشیده، چشم‌های بیضی عمود گونه و دم طینت حیوانیت است. بنابراین رفتار قریب به اتفاق آنها به طینت و سرشت حیوانی بر می‌گردد و در زمره بدکاران هستند، به استثناء مواردی نادر.

آنچه قابل ملاحظه است این است که اکثر آنها دارای نشانه‌هایی ظاهری از آدم‌گونه‌گی هستند برای مثال بر روی دو پا می‌ایستند و راه می‌روند (هرچند اگر چهارپا داشته باشند). بعضی گونه‌ها همانند انسان می‌نشینند (چهار زانو یا دو زانو). برخی هم فاقد هرگونه مشخصات ظاهری آدم‌اند ولی قادر به صحبت کردن هستند و یا رفتارهای آدم‌گونه دارند.



تصویر ۲۴: مره بن الحارث، عجایب المخلوقات، نسخه خطی، شماره ۲۸۰۲۶، کتابخانه آستان قدس رضوی.



تصویر ۲۵: نسخه خطی عجایب المخلوقات متعلق به عراق (بغداد) یا ترکیه، قرن نهم هجری قمری، کتابخانه ملی آمریکا.



تصویر ۲۶: نسخه خطی عجایب المخلوقات قزوینی، کتابخانه ملی آمریکا.



تصویر ۲۷: دیوان، عجایب المخلوقات، نسخه خطی شماره ۲۵۲۱۲، کتابخانه آستان قدس رضوی.

عجیب و غریب بودن آنها، دامنه تصور و تخیل خالقان آنها را برای اضافه یا کم نمودن برخی از اعضای بدن، گسترش می‌دهد: دو سر یا بیشتر بر روی یک بدن، چهار پا برای یک بدن انسانی... یا یک دست و نیم بدن؛ همچنین جای اعضای بدن نیز تغییر می‌کند، سر بر روی سینه یا پشت قرار می‌گیرد. بر اساس نمونه‌های ارایه شده در این کتاب می‌توان به لحاظ ریخت و ظاهر دو گونه اصلی ترکیبی را برای دیو، جن و غول در نظر گرفت، و آنها را در این دو گروه جای داد: ۱- انسان حیوان، با جنبه‌های ظاهری آدمی و رفتارها و عکس‌العمل‌های انسانی ۲- حیوان- حیوان، با ترکیبی از اعضای مختلف حیوانات گوناگون: سر یک چهارپا، بال‌های پرنده، سم‌های حیوانی یا پنجه‌های پرنده... که نمونه‌های آنها در متن توضیح داده شدند.

تقریباً کلیه گونه‌های ذکر شده در کتاب "عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات" را می‌توان در این دو گروه جای داد و تعریف نمود و خصیصه‌های رفتاری و شخصیت‌های آنها را توجیه کرد.

### پی‌نوشت

- ۱- کتزیاس، تاریخ نگار و پزشک یونانی، وی از شهر کیندوس از مستعمره‌های یونانی دوری‌ها در آسیای کوچک بود و در بین سال‌های ۳۹۸-۴۱۵ ق.م. پزشک پروشات همسر داریوش دوم و اردشیر دوم شاه هخامنشی بود. وی در سال ۴۰۱ ق.م. در جنگ میان اردشیر دوم و برادرش کوروش کوچک همراه اردشیر بود. از کتاب‌هایی که درباره تاریخ ایران و هند نوشته، چیزی بجز گفتاوردهای نویسندگان یونانی و رومی به جای نمانده است.
- ۲- هرودوت، ۴۲۵-۴۸۴ ق.م. نخستین تاریخ نگار یونانی زبان است که آثارش تا زمان ما باقی مانده است. وی از مردم هالیکارناس شهر یونانی نشین آسیای صغیر بود و چون در آن هنگام این شهر بخشی از حکومت ایران بشمار می‌رفت وی را تبعه ایران ذکر کرده‌اند. وی سفرهای متعددی در ممالک مشرق زمین کرده و تحقیقات خود را راجع به احوال و تاریخ این کشورها نوشته است.
- ۳- اگر (الهه جهنمی)، در داستان‌های افسانه‌ای غولی درنده که از کودکان تغذیه می‌کند.
- ۴- آمازون‌ها، زنان جنگجو در اسطوره‌های یونانی که در کرانه دریای سیاه زندگی می‌کردند و تنها یک بار در سال به مردها اجازه می‌دادند که به آنها نزدیک شوند تا نسل‌شان ادامه یابد. آنها فرزندان ذکور خود را می‌کشتند. آمازون‌ها جنگجویانی اسب سوار و تیراندازان ماهر با تیر و کمان و دهشت آور بودند.

### فهرست منابع

- ۱- براتی، پرویز، عجایب ایرانی: روایت شکل و ساختار فانتزی عجایب نامه‌ها به همراه متن عجایب نامهای قرن هفتمی، افکار، تهران، ۱۳۸۷.
- ۲- بیابانی، محمد، حماسه درخت گلبانو، مرکز، تهران، ۱۳۶۹.
- ۳- بورخس، خورخه لویس، موجودات خیالی، احمد اخوت، ماه ریز، تهران، ۱۳۸۰.
- ۴- تنابلی، پرویز، طلسم گرافیک سنتی ایران، بنگاه، تهران، ۱۳۸۵.
- ۵- جونز، آلیسون، فرهنگ لاروس ریشه‌یابی در فولکلور جهان (فولکور)،

- موضوعات، ریشه‌ها، روایات مشهور، گزینش و ترجمه: منیره احمد سلطانی، روزگار، تهران، ۱۳۸۸.
- ۶- حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف دایرةالمعارف جامع اسلامی، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، ۱۳۸۵.
  - ۷- خوشدل، محمدرضا، موجودات ماورایی، پژوهشی پیرامون خلقت جن، آرون، تهران، ۱۳۸۲.
  - ۸- خلف تبریزی، محمد حسین، برهان قاطع، باهتمام محمد معین، ج ۴، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۶.
  - ۹- رستگارفسای، منصور، پیکرگردانی در اساطیر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.
  - ۱۰- شمیسا، سیروس، فرهنگ اشارات ادبیات فارسی (اساطیر، سنن، آداب، اعتقادات، علوم...)، میترا، تهران، ۱۳۸۶.
  - ۱۱- قزوینی، محمد بن محمود، (بی تا)، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، چاپ سنگی، مجموعه کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره نسخه شماره ۳۵۹۲، بی جا.
  - ۱۲- قزوینی، محمد بن محمود، (بی تا)، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، نسخه خطی، مترجم عبدالرشید ابن بستکی، مجموعه کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره نسخه: ۲۸۰۲۶، بی جا.
  - ۱۳- قزوینی، محمد بن محمود، (بی تا)، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، نسخه خطی، ترجمه فارسی، مجموعه کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره نسخه: ۳۵۲۱۲، بی جا.
  - ۱۴- قزوینی، محمد بن محمود، (بی تا)، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، نسخه خطی، ترجمه فارسی، کتابخانه ملی آمریکا.
  - ۱۵- قزوینی، محمد بن محمود، (بی تا)، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، نسخه خطی، ترجمه فارسی، متعلق به بغداد، عراق یا ترکیه، قرن ۱۵ میلادی.
  - ۱۶- فدوی، محمد، تصویرسازی در عصر صفویه و قاجار، مؤسسه انتشارات و چاپ، تهران، ۱۳۸۶.
  - ۱۷- قرآن کریم، ترجمه حضرت آیت الله مکارم شیرازی، قم، ۱۳۸۷.
  - ۱۸- کریستن سن، آرتور، آفرینش زیانکار، ترجمه: احمد طباطبایی، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، تبریز، ۱۳۵۵.
  - ۱۹- لاری، مریم، نقش جن در نقاشی دوران قاجار، هنرنامه، سال چهارم، شماره ۱۰، بهار، تهران، ۱۳۸۰.
  - ۲۰- معین، محمد، فرهنگ فارسی، نامن، تهران، ۱۳۸۴.
  - ۲۱- همدانی طوسی، محمدبن محمود، عجایب‌نامه [عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات]، جعفر مدرس صادقی، مرکز، تهران، ۱۳۷۵.
  - ۲۲- یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۶.

23. CAIOZZO Anne, 2008, *Monstre et Imaginaire Social, Les monstres dans les cosmographies illustrées de l'Orient médiéval*, éditions Ceraphis, Paris.
24. *Dictionnaire Encyclopédique Universel*, 2001, Larousse - Bordas, Paris.
25. GUTMAN J. & BASCH M. V., 1981, *The combat between Moses and Og in Muslim Miniatures*, Bulletin of the Asia Institute, no.1.
26. Les Merveilles de l'Inde, *Mémorial Jean Sauvager*, 1954, tome1, Damas.
27. LEWICKI T., 1978, "Al-Kazwini" in *Encyclopedie de l'Islam*, vol.4.Paris.
28. REINARD J. T., 1845, *Chaînes chroniques, Relation de voyage fait par les Arabes et les Persans dans l'Inde et la Chine dans le IXe s. de l'ère chrétienne*, vol.1. Paris.
29. STRICKLAND Higgs, 2003, *Saracens, Demons and Jesus, Making Monsters in Medieval Art*, Princeton University Press.
30. TABARI, 1984, *La Chronique, Histoire des prophètes et des rois*, trad. Zotenberg H., vol.1, éd. Sinbad, Paris.

